

پیروی بی حساب از غرائز و میلها

در شماره های پیش ، عوامل اختلاف فکری ، یکی پس از دیگری مورد بررسی و تحقیق قرار داده شد ، و اینک با آخرین عامل سلب آزادی فکری و چگونگی مبارزه با آن ، منتهی گردیدیم .

غرائز و میلها ابزار زندگی هستند

آدمی همانگونه که در مقام تشخیص و درک اقیامات ، نیازمند به نور عقل است و تنها با درست داشتن این چراغ فروزان ، میتواند حق را از باطل ، راه سعادت را از دشواری باز شناسد ، در مقام عمل نیز ، نیازمند یک سلسله مبادی و غرائز است که او را در رسیدن به اهداف عالی آسانی کمک کرده ، روح و حرکت و جنبش و فاعلیت را در او زنده و پایدار بدارد .

حب ذات ، غریزه جنسی ، علاقه با مال و فرزند ، حس تشخص طلبی و حسال دوستی ، ستای قدرت و مقام ، خواهش آزادی و حریت و امثال اینها جزئی از غرائز و وسائلی هستند که آدمی را به تحرک و جنبش وامیدارند و بر زندگی او شور و نشاط می بخشد .

هر گاه این تمایلات عاطفی و خواهشهای نفسانی در وجود او نبود ، وضع او مانند زندگی اقلیوس بود که میماند ، مسابقه را به پیروزی قادر بجز کت و شمشیر کت در مسابقه نباشد .

دکتر آلکسیس کارل ، بیولوژیست معروف فرانسوی در این باره مینویسد : آنچه انسان را جعل و او میدارد ، عقیده است نه منطق . عقل نمیتواند بیاین وسیله ترس ، بروق طبیعت اشیاء بداند ، نظیر روشن کردن راه قنات است ، و هرگز مار را بجلو نمی راند .

در قلمرو متفکرین صرف در زندگی شبهه به اقلیسمائی است که برای مسابقه دو حاضر شوند ، مقصد آنچه بی من بیند و ولی قادر نباشند که از جای خود بچینند . . . ما بر روانی که در پیش داریم ، فایده و فوایدیم شد ، مگر آنکه از عقل روح ما روحی از عواطف سر بالا بکشد . عقل خلاق علم و فلسفه است و هنگامیکه متعادل باشد و اعتدالی خوبی است ولی بی حسی زندگی و قدرت زیستن نمی بخشد و جز یکی از فعالیتهای روانی است ، اگر به تنهایی رشد کند و همواره با احساس باشد ، افراد را از یکدیگر دور ، و از انسانیت خارج میکند ، فعالیتها غیر عقلانی روان ، یعنی عواطف و حس اخلاقی و حس خیال دوستی و حس مذهبی است که در ما اثر و نشاط و ایجاد میکند و با فراد ، قدرتی می بخشد که از خود خارج شوند و با دیگران ، تماس بگیرند ، آنها را دوست بدارند و در

راحتان ، فداکاری گشته (۶) ولی باید توجه داشت که اگر فرائز و میاهای در صورتی مایه شور و نشاط زندگی و موجب سعادت انسان است که در حد اعتدال و دور از افراط و تفریط باشد و استفاده وسیع بهر دلیلی قرار گیرد و از طبعان و سرگشته آن جلوگیری بعمل آید که نه بجای شور و نشاط ، آتش و هلاکت ، و بجای سعادت و خوشبختی ، تاسف و تیره روزی بیار خواهد آورد .

هوای پرستی بدترین نوع بردگلی است

بزرگترین مقصد هوای پرستی و پروری از احساسات انجام گسیخته ایست که شخص هوای پرست قادر نیست بر خلاف سیر تمایلات غیر عقلانی باشد و بی اختیار بگردد ، او هر چه می آید بشود و یاد در مقام اصل ، بدان اقدام میکند ، سطر مزبور با فلسفوی است که با خواستهای عقلانی اوسازگاری داشته و او در نیل باین مقصد کمک نماید .

کسی که تمام اختیار خود را بدست تمایلات افراطی سپرده و به اسیر قرآن و معبود و خود را « هوای » خود قرار داده است (۲) چنین آدمی نمیتواند درباره سائق امور و واقعات زندگی بطور آزادانه اندیشه و از دست آزادگی فکری بر خود رها کرده ، او برده تمایلات عاقلی خویش است ، هر طرفی که فرائز و احساسات سرکش او توجه باشد ، او نیز مشغول است در نتیجه از درک واقعات زندگی محروم خواهد بود .

صلی علیه السلام ، این نوع بردگی را « ان از بردگی غلامان زود خیره میداند : ع عبد الشهوة اشتمن عبد ارق » (۳) و فلان آن بپوشش است زیرا غلامان زود خیره ، تنها حستان در اختیار اربابان آنهاست ، اما او عقاید آنان را بر ما کسی نیست ، ولی بر ما گمان صورت تمام افکار و عقایدشان برده تمایلات عاقلی را محال میداند و از آن باز عقاید فکری و درک حقایق نیستند . اسلام - برای آنکه سرده را از این بردگی فکری بر نجات بخشد ، آزادی فکری را همگانی کند ، باینکه تسلیم بران حقوق و اخلاقی و پریش ، تمایلات عاقلی و فرائز پروردگار را تبدیل میکند و از پیروی بی حساب از احساسات انجام گسیخته شدیداً بی میکند و فلسفه آنرا گمراهی در سبب جعل معرفتی مینماید « ولا تتبع الهوی فیضک عن سبیل الله یعنی : از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا و طریق حق ، بازمیگرداند (۴) .

دعوت پروردگاران علی بن ابیطالب (ع) در مقام بیان فلسفه حرمت هوای پرستی چنین میفرماید : « فاما اتباع الهوی فیضک عن الحق یعنی : پیروی از هوای نفس ، آدمی را از زمین حق ، بازمیگرداند (۵) .

و نیز از آن حضرت است که فرموده : « ان اطعت هوک اصمک و اعماک یعنی اگر از هوای نفس اطاعت کنی ، کور و کر میگردی (۶) .

در حاشای دیگر ، مفسر هوای پرستی را اینطور بیان میکند : « انکم ان امرتم علیکم الهوی اصمکم و اعماکم و اردکم یعنی : براستی اگر هوای نفس را فرما تر وای خود سازید و بی قیود و شرط ، اطاعتش نمائید ، شما را کور و کر میگرداند (۷) .

۱ - مابودیم زندگی من ۱۱۳ - ۱۳۰ - ۲ - المرأیت من اتخذ الهوایا و استغاثت علی علم و حتم علی سببه و قلبه و جعل علی صره انما و (سوره جانبیه آیه ۲۳) - ۳ - غرر الحکم من ۲۹۸

۴ - سوره س آیه ۲۶ - ۵ - نهج البلاغه فیض من ۱۱۹ - ۶ - نهج البلاغه ۷ - غرر الحکم من ۲۹۲